

الگوی نظری مفهوم «عدالت»

در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله)

محمدتقی آقائی مزرعه شاهی^۱

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

بدون شک یکی از اسناد راهبردی برای راهبری انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی و نیل به تمدن‌سازی، بیانیه گام دوم انقلاب است. از الزامات تحقق این بیانیه گران‌سنگ، پس از فهم صحیح و تحلیل عناصر درونی آن، نظریه‌پردازی اجتماعی و الگوسازی بر محور آن در عرصه‌های مختلف است. یکی از هفت مسئله راهبردی مورد انتظار مقام معظم رهبری (حفظه الله)، مسئله عدالت است که از دغدغه‌های مهم بشر و از ارزش‌های بنیادین مورد بحث همه اندیشمندان بوده است. تدوین الگوی نظری مفهوم عدالت بدان علت که موجب وحدت نظری و عملی نخبگان و اندیشمندان در سیاست‌گذاری و اقدام در این حوزه می‌شود، واجد اهمیت است. در همین راستا این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مفهوم عدالت در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) دارای چه الگویی است؟ این پژوهش کوشیده است با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و کاوش در بیانات و فرمایشات معظم له به عنوان تجلی‌گاه اندیشه سیاسی ایشان، به الگوی نظری مفهوم عدالت مد نظر رهبری دست یابد. براساس این بررسی، مفهوم عدالت در اندیشه ایشان دارای الگویی پنج‌وجهی شامل تعریف عدالت؛ مبانی و اصول عدالت؛ ویژگی‌های عدالت؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی؛ آسیب‌ها و موانع تحقق عدالت است.

واژگان کلیدی

عدالت، الگوی عدالت، آیت الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب



مقدمه

حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه‌ای مهم و راهبردی خطاب به ملت ایران به ویژه جوانان صادر فرمودند. معظم له که این بیانیه را تبیین ماهیت، ویژگی‌ها و اصول انقلاب اسلامی و برکات و دستاوردهای آن در چهل سال گذشته دانسته‌اند، ضمن برشمردن ظرفیت‌های عظیم انقلاب اسلامی برای نیل به اهداف عالی خود، مهم‌ترین مسائل و راهبردهای اساسی فراروی انقلاب در چهل سال دوم را بیان کردند. این بیانیه ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فردی دارد که آن را از سایر اسناد در طول تاریخ ایران و تشیع متمایز می‌سازد. از ویژگی‌های مهم این بیانیه راهبردی، برخورد فعال با جنگ روانی دشمن، گرفتار نشدن در دام خطای محاسباتی، تولید و ارائه شاخص برای تبیین دستاوردها، ارزیابی و آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و ترسیم راه‌حل‌های پیش روی آن است. بدون شک برای تحقق این بیانیه همه‌آحاد جامعه و نهادهای انقلاب اسلامی به ویژه جوانان، صاحب نقش و وظیفه‌ای جدی هستند. اما برای تحقق این مهم، پیش از هر چیز، فهم صحیح بیانیه و زمینه‌ها و شرایط صدور آن و تحلیل مضامین اصلی و محتوای آن ضروری است. اقدام مهم پس از آن، گفتمان‌سازی، نظریه‌پردازی اجتماعی و الگوسازی بر محور آن در عرصه‌های مختلف است. این مهم بی‌شک برعهده مراکز علمی و پژوهشی و نخبگان و اندیشمندان جامعه است؛ به این معنا که مبانی نظری این بیانیه باید تقویت شود و با ارائه الگوی مفهومی آن، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای عملیاتی آن استخراج و به کار بسته شود. اقدام آخر نیز هماهنگ‌سازی اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام با این بیانیه است.

یکی از مسائل راهبردی هفت‌گانه مندرج در این بیانیه، «عدالت» است که از دغدغه‌های مهم بشر و از ارزش‌های بنیادین و فطری و موضوع مورد بحث همه اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی است. عدالت، یکی از اهداف مهم نظام اجتماعی اسلام و هدف بعثت همه انبیا شمرده شده است. در بیان قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص) داعی عدالت و مأمور به اجرای آن است: «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری/۱۵). در سیره و سنت پیامبر بر اجرای عدالت، سرپرستی امور جامعه توسط کسی که عدل را برپا دارد و ستم را بمیراند، تأکید شده است (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۴۳۱). عدالت از مفاهیم راهبردی و ارزشی ادیان الهی و همچنین



مفاهیم بنیادین علوم انسانی به خصوص فلسفه سیاسی است. عدالت، خواه به مثابه ارزش یا به عنوان روش، اصلی خردمندانه برای زندگی اجتماعی انسان است و اساسی‌ترین مفهوم بنیانی فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی است که همه فیلسوفان به نحوی درباره آن تأمل کرده‌اند. در دوران باستان، فیلسوف بزرگی مانند افلاطون کتاب سترگ خود به نام «جمهور» را در قالب مناظره و با موضوع عدالت نوشت. اندیشه سیاسی در غرب پس از گذر از دوره‌های قرون وسطی، رنسانس، روشنگری، مدرنیته و اکنون در دوران پسامدرنیسم از پرداختن به این موضوع مهم بی‌نیاز نبوده است. در دوران مختلف و تطور اندیشه سیاسی در غرب نظریات مختلفی در حوزه عدالت ارائه شده است.

عدالت‌پژوهی در تاریخ اندیشه سیاسی غرب با انتشار نظریه‌ای در باب عدالت به قلم جان رالز به اوج خود رسید. رالز از نظریه‌ای پیچیده در باب عدالت دفاع می‌کرد که متشکل از اصول زیر است:

۱. برخورداری یکسان همگان از آزادی‌های اساسی؛
۲. نابرابری‌های موجود در جامعه باید محصول فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه باشد؛
۳. نابرابری‌های اجتماعی در صورتی موجه است که بیشترین سود را به محروم‌ترین افراد برساند (Rawls, 1971: 71).

در حوزه عدالت، معمولاً فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی به دنبال آن هستند تا با مشخص کردن اصول و معیارهایی بنیادین به منزله «اصول عدالت»، شاخصی نهایی و جهان‌شمول برای تعریف مفهوم عدالت و تعیین مصادیق آن از اضدادش در اختیار نهند. اموری همچون «رفتار برابر و غیر تبعیض‌آمیز»، «توزیع ثروت براساس شایستگی»، «توزیع خیرات براساس استحقاق»، «توزیع دارایی براساس نیاز» و «اعطای حق هر صاحب حق» همگی نزد مدافعان این معیارها، شاخص و معیار بنیادین عدالت هستند. از طریق این موارد و معیارها می‌توان روابط اجتماعی یا ساختارهای مستقر در جوامع را ارزیابی و درباره عادلانه یا ناعادلانه بودن آنها قضاوت کرد. اما این اصول و معیارها زمانی جنبه علمی و عملی به خود می‌گیرند که در قالب یک الگوی نظام‌مند و یک کل به‌هم‌پیوسته مد نظر قرار گیرند.



اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالبه جدی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) از اندیشمندان و پژوهشگران برای ارائه تعریفی اسلامی و حقیقی از عدالت و همچنین شکاف معرفتی و عملی موجود در کشور نسبت به تعریف و وضعیت مطلوب در عرصه عدالت، نشان‌دهنده وجود خلأهایی بسیار در این حوزه است. با تدوین الگوی نظری این مفهوم، می‌توان تعریفی مشخص از آن ارائه کرد که قابل مقایسه با سایر نظریات مطرح در این حوزه باشد. همچنین می‌تواند راهنمای عمل سیاست‌گذاران کشور در برنامه‌ریزی‌های کلان برای تحقق عدالت مورد انتظار جمهوری اسلامی باشد.

تدوین الگوی نظری مفهوم عدالت با تکیه بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله)، گامی آغازین و در عین حال مهم در این حوزه محسوب می‌شود که می‌تواند مسیر حرکت و دستیابی به عرصه‌های نظری و عملی عدالت را برای جامعه علمی و مجریان کشور تسهیل کند.

هدف پژوهش

این پژوهش با هدف تدوین الگوی نظری مفهوم «عدالت» در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) سامان یافته و درصدد پاسخ به پرسش اصلی تحقیق است.

سؤال پژوهش

سؤال اصلی که این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به آن است، عبارت است از: مفهوم عدالت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) دارای چه الگویی است؟ بر این اساس سؤال‌های فرعی پژوهش از این قرار خواهد بود: در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) ۱. تعریف مفهوم عدالت چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۲. عدالت بر چه مبانی و اصولی استوار است؟ ۳. عدالت دارای چه اقسامی است؟ ۴. برای تحقق آن در جامعه چه راهکارهایی وجود دارد؟ ۵. موانع و آسیب‌های تحقق عدالت چیست؟



روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر به صورت کیفی و تحلیلی - توصیفی است. تحلیل محتوا از فنون مربوط به روش اسنادی در پژوهش علوم اجتماعی است و به همه راهکارهایی گفته می‌شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون به دست می‌آید. تحلیل محتوا به دو گونه کمی و کیفی تقسیم می‌شود. روش کمی تحلیل محتوا که به استنباط نتایج بر اساس بودن یا نبودن ویژگی‌هایی در پیام تعریف شده است، غالباً در علوم اجتماعی - کاربردی مورد توجه قرار می‌گیرد. موضوع تحلیل محتوای کیفی نیز می‌تواند همه انواع ارتباط ثبت شده در دست‌نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، قواعد مشاهدات، مستندات و مانند آنها باشد. تحلیل محتوای کیفی را میرینگ در سال ۱۹۸۰ مطرح کرد (Mayring, 2000: 1). تحلیل محتوا در تعریفی جامع به اعتقاد هلستی،^۱ روشی است که «به کمک آن ویژگی‌های خاص پیام‌ها به طور نظام‌یافته و عینی» مورد شناسایی قرار می‌گیرد (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۴۷۰-۴۶۹). در این روش پژوهشگر به جای تمرکز بر محصول نهایی یا پیام‌های تولیدشده، بر فرایند تولید پیام‌ها با مضمون اجتماعی متون تأکید دارد و مؤلف را فاعل خودآگاهی لحاظ می‌کند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۳۷۷).

چیستی عدالت

در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله)، عدالت از غایات اساسی زندگی سیاسی و نقطه تلاقی سه حوزه دین، فلسفه و جامعه است. رویکرد خاص ایشان به عدالت با تلقی بسیاری از اندیشمندان قدیم و جدید متفاوت است. در حالی که فیلسوفان کلاسیک، عدالت را از منظر طبیعت می‌نگریستند و قواعد طبیعی را بر عدالت فردی و اجتماعی انسان تسری می‌دادند، فیلسوفان جدید عدالت را قراردادی اخلاقی در راستای استیفای حقوق فردی و اجتماعی در نظر می‌گیرند. اما معظم له عدالت را از منظر دینی و با گستره‌ای وسیع طرح می‌کنند که با رویکردهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، اخلاقی و اجتماعی قابل تبیین و بررسی است. ایشان به طور مشخص عدالت را در سه رویکرد مطرح می‌کنند: ۱. عدالت در رویکرد هستی‌شناسانه؛ ۲. عدالت در رویکرد اخلاقی و فردگرایانه؛ ۳. عدالت در رویکردی اجتماعی و سیاسی.



در رویکرد اول، حقیقت عدالت از خدا آغاز می‌شود که از آن با عنوان «عدل الهی» یاد می‌کنند. این عدالت از صفات کمالیه و ثبوتیه خداوند متعال است که در مباحث اعتقادی مطرح می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۴/۷). عدالت در رویکرد دوم، یک خصلت برجسته انسانی است که هرکسی این ویژگی اخلاقی را داشته باشد، بر همه روابط انسانی او تأثیر می‌گذارد. این نوع عدالت عامل مهمی در استواری عدالت اجتماعی است. در دیدگاه دینی، عدالت فردی بر گونه‌ای از طهارت روح استوار است که سبب می‌شود انسان عادل به سمت پلیدی کشیده نشود و به تعبیر ایشان «عادل کسی است که به طور عادی و معمولی از گناهان اجتناب می‌کند و اگر وقتی از او گناهی هم سر بزند، متوجه می‌شود و استغفار می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۷/۱۲/۱۲).

عدالت اجتماعی یکی از هنجارهای اجتماعی است که زندگی جمعی مسالمت‌آمیز همراه با رضایتمندی و آرامش را ممکن می‌سازد. این نوع عدالت دربرگیرنده نهادهای حقوقی، حکومتی و قانون‌گذاری است و در عرصه بین‌المللی رابطه حکومت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر را سامان می‌دهد. از نگاه ایشان، عدالت اجتماعی، یک امر اجتماعی محض و مربوط به حکومت و فرمانروایی جامعه است (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۴/۱۹).

در فلسفه سیاسی اسلامی دو تعریف از عدالت شده است:

۱. عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه»، قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش؛

۲. عدالت به معنای «اعطاء کل ذی حق حقه» یا عطا به میزان استحقاق و حق را به حق‌دار رساندن (مهاجرنیا، ۱۳۸۸: ۹۳-۸۸). آیت‌الله خامنه‌ای در مواردی تعریف عدالت را براساس دیدگاه نخست بیان می‌کنند و می‌فرمایند «عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن» (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷) و در مواضعی هم براساس معنای دوم تعریف کرده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۵/۱۷). در مواضعی هم هر دو تعریف را با هم و به یک معنا به کار برده‌اند: «عدالت یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن، به هر کسی حق او را دادن» (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۲/۱۸).

از مجموعه تعاریفی که ایشان از عدالت کرده‌اند، می‌توان هفت ویژگی اساسی را برای عدالت استخراج کرد:



۱. عدالت عام است (۱۳۷۱/۱۱/۱)؛
۲. عدالت مطلق است (۱۳۷۷/۲/۱۸)؛
۳. عدالت وسیع است (۱۳۸۱/۵/۱۷)؛
۴. عدالت غایی است (۱۳۸۰/۱۲/۲۷)؛
۵. عدالت فرازمانی است (۱۳۷۷/۲/۲۴)؛
۶. عدالت جانبدارانه است (۱۳۷۹/۹/۱۹)؛
۷. عدالت جامع و شامل است (۱۳۸۰/۳/۱۲).

مبانی عدالت

عدالت در نظام اندیشه‌ای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر مبانی قرآنی، روایی و عقلی شکل گرفته است. ایشان در بیانات خود از حق (۱۳۷۴/۴/۷)، سنت خلقت و آفرینش خداوند (۱۳۸۰/۴/۷)، غایت و مأموریت حکومت دینی (۱۳۷۲/۶/۳)، اخلاق اسلامی (۱۳۷۲/۴/۲۳)، بعثت انبیا (۱۳۷۴/۹/۲۹) و عدم تبعیض (۱۳۶۹/۱۱/۱۹) به عنوان مبانی تحقق عدالت در جامعه نام برده‌اند.

گونه‌شناسی عدالت

در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله)، عدالت تک‌انگاره‌ای از مفاهیم انتزاعی و منفرد از ابعاد و حقیقت انسان نیست، بلکه از گسترده‌ترین مفاهیم زندگی انسان است که همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی را در همه حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دربرگرفته است. در عالم تکوین، عدالت مفهومی بنیادی و فراگیر است که زمامش در دست خدای متعال قرار دارد و در عالم تشریح، عدالت غایتی آرمانی است که زمامش را به دست انسان داده‌اند تا بر مبنای آن، همه آرمان‌ها، اندیشه‌ها و رفتارهای عینی و ذهنی خود را براساس آن تنظیم کند. آیت‌الله خامنه‌ای در عبارت گویایی این حقیقت را چنین بیان می‌دارند: «اسلام یک جهان‌بینی است، یک بینش است، یک فلسفه است که خود آن فلسفه معتقد به عدل در همه وجود است؛ معتقد است به حساب در همه ذرات و ارکان عالم؛ معتقد است که همان محاسبه و توازنی که در تمام عالم هست، باید در نظام اجتماعی

انسان هم باشد. عدالت فقط مال زندگی انسان نیست، در همه آفرینش عدالت وجود دارد و باید وجود می‌داشته و وجود دارد و تفکر و بینش اسلامی این است که عدالت هست. در زندگی انسان هم [باید] باشد. عدالت حق است. حق یعنی آن قانونی، آن جعلی که منطبق با واقعیت‌هاست. این حق است؛ بنابراین این طور نیست که ما بگوییم اسلام منهای آن فلسفه و منهای آن جهان‌بینی و منهای اخلاق و منهای همه چیز دیگر... اینها همان عدالت اجتماعی است» (بیانات رهبری، ۱۳۶۳/۱۰/۱۳).

بر اساس تلقی از فلسفه سیاسی اسلام، عدالت انواع و گونه‌های متنوعی پیدا می‌کند که به دلیل رعایت اختصار در اینجا، گونه‌هایی از آن را نام می‌بریم: عدالت تکوینی، عدالت تشریحی (۱۳۷۱/۳/۳۰)؛ عدالت آرمانی، عدالت مقدمه‌ای و ابزاری (۱۳۷۰/۸/۱)؛ عدالت دینی (۱۳۶۳/۱۰/۱۳)؛ عدالت حقوقی (۱۳۶۸/۱۲/۲۲)؛ عدالت فردی (۱۳۶۷/۱۲/۱۲)؛ عدالت سیاسی (۱۳۶۳/۶/۲۳)؛ عدالت خدماتی (۱۳۸۳/۱/۲) و عدالت رهایی‌بخش (۱۳۸۱/۹/۷). اگرچه همه این موارد ممکن است قسیم هم نباشند و به اعتبارات خاص قابل دسته‌بندی باشند، اما در نگاهی دقیق‌تر براساس فرمایشات معظم له، می‌توان سه گونه عدالت اجتماعی، عدالت قضایی و عدالت اقتصادی را شناسایی کرد.

بسترها و راهکارهای اجرایی عدالت

۱. اسلام‌گرایی و گرایش به معنویت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) در بیانات خویش یکی از راهکارهای تحقق عدالت را اسلام‌گرایی و گرایش به معنویت معرفی می‌کنند. مراد معظم له از اسلام‌گرایی، توجه یکسویه به امور معنوی و بی‌توجهی به امور مادی نیست؛ بلکه از نگاه ایشان باید به امور مادی و معنوی به صورت توأمان نظر داشت و از ترجیح یکی بر دیگری پرهیز کرد (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۳/۲۸). همچنین ایشان در رابطه با نقش تعالیم اسلام و رعایت تقوا در تحقق عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «ما فقط از راه تعالیم اسلام می‌توانیم فقر را برطرف کنیم، عدالت اجتماعی را مستقر کنیم، امنیت را ایجاد کنیم. بدون اسلام نمی‌توانیم به این اهداف برسیم و مقاصدمان برآورده نخواهد شد» (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹). همچنین ایشان امر به معروف و نهی از منکر را برای اجرای عدالت ضروری می‌دانند و بر نقش آن تأکید می‌کنند (۱۳۷۹/۴/۱۹).



۲. مبارزه با فقر، فساد و تبعیض

ایشان مبارزه با سه آفت اجتماعی فقر، فساد و تبعیض را محور همه فعالیت‌های عدالت‌طلبانه و راهکارهای اجرایی تحقق عدالت می‌دانند؛ زیرا ریشه همه آسیب‌های اجتماعی و امنیتی را در وجود این سه پایه شوم و عنصر مخرب می‌دانند (۱۳۷۹/۵/۳). ایشان مبارزه با فقر را استخراج بهینه منابع ملی و مصرف صحیح و همچنین همت مسئولان معرفی می‌کنند و علاج ریشه‌کن شدن فقر را تحقق عدالت اجتماعی می‌دانند (۱۳۸۱/۹/۱۵). گام دیگر در تحقق عدالت رفع انواع مختلف فساد از جامعه و حکومت است. ایشان مبارزه با فساد را یک جهاد واقعی و دشوار و اداره موفق کشور را متوقف به حصول آن می‌دانند (۱۳۸۳/۳/۲۷). رهبری رفع تبعیض را از راهکارهای دیگر تحقق عدالت معرفی می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای مراد خود از تبعیض را تبعیض در اجرای قانون (۱۳۸۲/۲/۲۲) و تبعیض در بهره‌مندی از امکانات (۱۳۸۴/۲/۱۷) معرفی می‌کنند.

۳. گزینش صحیح مسئولان از جانب مردم و شناخت وظایف و عمل به آنها از جانب مسئولان
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به منظور تحقق عدالت مورد انتظار از یک سو به مردم بر انتخاب و گزینش صحیح نمایندگان مجلس (۱۳۷۱/۳/۷) و رئیس‌جمهور تأکید می‌ورزند (۱۳۸۴/۲/۱۱) و از سوی دیگر به نمایندگان مجلس و مسئولان کشور تذکر می‌دهند که وظایف خود را بشناسند و براساس آن عمل کنند. ایشان هدف همه مسئولان را تحقق عدالت می‌دانند و می‌فرمایند: «هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی چه باید باشد؟ هدف باید اجرای عدالت، تأمین آسایش مردم، فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای شکفتن استعدادها و تعالی انسان باشد» (۱۳۷۹/۹/۲۵).

۴. تبیین شاخص‌ها و معیارهای عدالت با الگوسازی صحیح در جامعه

رهبر انقلاب با مذاقه بر این نکته مهم که هر عرصه از عرصه‌های حیات جمعی اقتضانات خاص خود را دارد و برای تحقق عدالت در آن عرصه شاخص‌ها و معیارهای ویژه آن عرصه باید تعریف شود، تأکید می‌کنند که تعریف عدالت و نظریه‌پردازی کفایت نمی‌کند و لازم است در ساحت‌های مختلف جامعه معیارهای عدالت تفکیک و تعیین شود تا در برنامه‌ریزی

و آسیب‌شناسی‌ها ملاکی برای داوری وجود داشته باشد. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «عدالت چه جور تأمین می‌شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاس لازم است، معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت مورد نظر برسیم؟» (۱۳۷۶/۴/۲۵)

۵. فرهنگ‌سازی در جامعه برای اجرای عدالت از طریق هنر

از نگاه رهبر معظم انقلاب «هنر دینی عدالت در جامعه به صورت یک ارزش است ولو هیچ اسمی از دین و هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی در باب عدالت در خلال هنر نیاورید. مثلاً لزومی ندارد که در محاورات سینمایی یا در تئاتر، نام یا شکلی که نماد دین است وجود داشته باشد تا حتماً دینی باشد، بلکه می‌توان در باب عدالت، رساترین سخن را در هنرهای نمایشی آورد» (بیانات رهبری، ۱/۵/۱۳۸۰).

۶. محرومیت‌زدایی و توجه به امور اقتصادی قشرهای مختلف

توجه به محرومین و ضعفا از تأکیدات رهبر انقلاب اسلامی به قوای سه‌گانه برای تحقق عدالت است. ایشان در بیانات خود مسئولان کشور را به مبارزه با ظلم و حمایت از مظلومین و مستضعفین، تلاش برای خدمت به محرومین، محرومیت‌زدایی از روستاها، تأمین مسکن برای محرومین، عدالت در تقسیم خدمات شهری (۱۳۷۸/۲/۹) و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی معیشت‌محور برای قشرهای کم‌درآمد دعوت می‌کنند (۱۳۸۴/۲/۱۲) و می‌فرمایند: «تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نبایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیادتر بشود و عده‌ای آن‌طور زندگی کنند» (۷۵/۶/۸).

۷. ناامن کردن فضای جامعه برای متخلف

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: «فضای جامعه باید از طرف همه نهادها برای متخلفین ناامن شود و متخلف، گناهاکار و متخطفی در جامعه احساس نگرانی کند، به طوری که احساس کند دیر یا زود تسلیم عدالت خواهد شد.» ایشان طی مبارزه با مفسد اقتصادی، مسئولان را



خطاب قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «بگذارید آدم‌هایی که متخلف‌اند، احساس ناامنی کنند. از چه می‌ترسید؟ می‌گویند قانون نداریم. بنده به مجلس شورای اسلامی عرض می‌کنم تا نسبت به تصویب قوانینی که مورد نیاز قوه قضاییه و نیروی انتظامی برای مبارزه با ثروت‌های بادآورده می‌باشند، اقدام نمایند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۵).

۸. قاطعیت در مبارزه با بی‌عدالتی

رهبر معظم انقلاب ضمن تأکید بر اینکه ضربه عدالت باید قاطع و در عین حال دقیق و ظریف باشد، معتقدند «متهم کردن بی‌گناهان یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. بنابراین نباید مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند یا احساس ناامنی کنند بلکه سزاوار و نیکوست که تشویق صالحان و خدمتگزاران در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود» (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

۹. قوه قضاییه مقتدر، سالم و کارآمد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) شأن قوه قضاییه را اصلاح و مبارزه با ظلم و ناحق می‌دانند و این شأن به حقیقت نمی‌رسد مگر با قوه‌ای که همه انسان‌های آن پاک و مؤمن باشند با رئیسی مجتهد و عادل و قضاتی شجاع، باوجدان و عدالت‌پیشه؛ آن گونه که در کلام و حکایت حقوق‌آحاد جامعه تزییع نشود (۱۳۷۴/۴/۷).

ایشان بر سلامت دستگاه قضا تأکید فراوان دارند. از دید ایشان «اگر دستگاه قضا سالم باشد، دستگاه‌های دیگر قاعدتاً و بالطبع سالم خواهند شد زیرا اگر فاسد باشند، سر و کارشان با دستگاه قضایی خواهد بود؛ بنابراین دستگاه قضایی سالم، دولت و مردم را سالم می‌کند. البته عکس قضیه هم ثابت است. اگر دستگاه قضا فاسد شد، دستگاه‌های دیگر نیز به فساد کشیده می‌شوند» (۱۳۷۱/۱۰/۲۳).



آسیب‌ها و موانع تحقق عدالت

کارکرد عدالت ساماندهی به حیات سیاسی- اجتماعی انسان‌هاست. عدالت چه در سطح آرمان‌گایی و چه در سطح راهبرد و چه در سطح راهکار عملیاتی آن است که رسالتی تعهدآور و مسئولیتی ارادی و اکتسابی فراروی انسان‌ها قرار داده شده و بر خلاف عدالت تکوینی که سنت ثابت و تخلف‌ناپذیر است، همواره در معرض انحراف و انسداد، تعطیلی، نارسایی و کج‌فهمی و هرج و مرج قرار دارد. در جامعه انسانی عدالت مانند هر مفهوم و پدیده اجتماعی دیگر با آسیب‌ها و آفت‌هایی مواجه می‌شود و به همین دلیل اجرای عدالت همیشه با موانع و دشواری همراه است و آیت‌الله خامنه‌ای از آن به عنوان دشوارترین میدان مجاهدت و مشکل‌ترین کار یاد می‌کنند (۱۳۸۲/۶/۱۹). در ادامه برخی از موانع و دشواری‌های مهم تحقق عدالت را که ایشان در بیانات خویش بر آنها تصریح کرده‌اند بیان می‌کنیم:

۱. مشکلات ناشی از زمینه‌های فکری و عینی جامعه

در برخی جوامع، به دلایل ذهنی و عینی ممکن است از عدالت کج‌فهمی‌هایی صورت گیرد و خود عدالت مانعی برای تحقق عدالت باشد. یکی از مصداق‌های این‌گونه مشکلات، که مقام معظم رهبری به آن استناد کرده‌اند، ماجرای عدالت امیرالمؤمنین در شرایط سیاسی دوره حکومت‌شان است (۱۳۸۲/۸/۲۳).

۲. رفتار جاهلانه با عدالت و اغراض سیاسی درباره آن

چنانچه فهم چستی عدالت، تشخیص مصداق‌ها و تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری و اجرای عدالت در اختیار کسانی باشد که اهل تشخیص نیستند، هم فهم عدالت و هم اجرای آن با مشکل مواجه می‌شود (۱۳۷۹/۶/۲۰). همچنین بنا بر نظر ایشان، اگر اغراض سیاسی در تحقق و اجرایی کردن عدالت در میان باشد، آسیب وارده بر عدالت به مراتب بیشتر می‌شود (۱۳۷۹/۶/۲).



۳. حاکمان آلوده و مستکبر

در اندیشه رهبر انقلاب، زمانی که حاکمیت در اختیار حاکمان آلوده و مستکبر قرار گیرد، عدالت قابل تحقق نیست. «حکومت اگر با عدل همراه باشد، پاکیزه‌ترین پدیده بشری است. حکومت اگر با استکبار همراه نباشد، حاکم، خود را موجودی برتر از دیگران نداند، حاکم برای خود منطقه‌ای از زندگی را انحصاری و اختصاصی نداند که دیگران راه به او ندارند، حاکم اگر خود را مثل آحاد مردم بداند با وظیفه سنگین تری، این نه فقط ملوث نیست، نه فقط آلوده و زشت نیست، بلکه زیباترین پدیده‌های زندگی بشری است» (۱۳۷۶/۵/۲۰).

۴. تبلیغات و جنگ نرم دشمن

واقعیت امروز این است که تبلیغات اغواکننده یکی از موانع جدی در راه فهم و تحقق عدالت محسوب می‌شود و تا زمانی که چنین قدرت تبلیغاتی وجود دارد نظم ظالمانه حکمفرماست: «امور دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، این جور در سطح عالم تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب مبارزه می‌کنند، با آرمان‌گرایی مبارزه می‌کنند، می‌خواهند ملت‌ها را قانع کنند، متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند، در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند» (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

۵. نادیده گرفتن جایگاه آرمانی عدالت

از نگاه رهبر معظم انقلاب «تشکیل حکومت هدف نیست؛ نکته اساسی اینجاست. تشکیل حکومت برای تحقق آرمان‌هاست. اگر حکومت تشکیل شد، در جهت تحقق آرمان‌ها پیش نرفت، حکومت منحرف است؛ این یک قاعده کلی است؛ این معیار است. ممکن است تحقق آرمان‌ها سال‌هایی طول بکشد، موانعی، مشکلاتی بر سر راه وجود داشته باشد، اما جهت حکومت، حتماً باید به سمت آن هدف‌ها و آرمان‌ها باشد که شعار آن داده شده است و در متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۹/۱۹).

۶. فقدان همسویی توسعه مادی با عدالت

آیت الله خامنه‌ای با مقایسه نظام اسلامی با سایر کشورهای توسعه یافته غیراسلامی بر این باورند که «اگر رونق اقتصادی باشد، پیشرفت صنعتی و اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، برای جامعه سودمند نیست. رونق اقتصادی تنها در جامعه اسلامی، هدف نیست. رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی مهم است؛ البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، رونق اقتصادی نباشد. عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی جامعه شکوفا خواهد شد. نمی‌شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۲/۱۴).

نتیجه‌گیری

از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) عدالت از مهم‌ترین شالوده‌های جامعه انسانی و اسلامی و به معنای آن است که در جامعه هر چیزی در جای خود و مناسب با جایگاه خویش قرار گیرد و حقوق فردی و اجتماعی به نحو احسن مراعات شود. از این منظر، عدالت از اساسی‌ترین مفاهیم بنیادی فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی است و نقطه تلاقی سه حوزه دین، فلسفه و جامعه است و از مهم‌ترین غایات زندگی سیاسی انسان‌هاست. ایشان به طور مشخص عدالت را در سه رویکرد هستی‌شناسانه، اخلاقی، فردگرایانه، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کنند. عدالت در معنی نخست، از نیازهای طبیعی، اصلی و همیشگی، آرمانی و دائمی و تغییرناپذیر است. از نظر معظم له، عدالت دارای سه قسم عدالت اجتماعی، عدالت قضایی و عدالت اقتصادی است. مهم‌ترین راهکارهای تحقق عدالت از دیدگاه ایشان عبارت است: اسلام‌گرایی و گرایش به معنویت، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض، گزینش صحیح مسئولان از جانب مردم، تبیین شاخص‌ها و معیارهای عدالت با الگوسازی صحیح جامعه، فرهنگ‌سازی در جامعه برای اجرای عدالت از طریق هنر، ناامن کردن فضای جامعه برای متخلف، قاطعیت در مبارزه با بی‌عدالتی و قوه قضاییه مقتدر، سالم و کارآمد. همچنین مهم‌ترین آسیب‌ها و موانع تحقق عدالت در اندیشه ایشان عبارت است از: مشکلات ناشی از زمینه‌های فکری و عینی جامعه، رفتار جاهلانه با عدالت و اغراض سیاسی درباره آن، حاکمان آلوده و مستکبر، تبلیغات و جنگ نرم دشمن، نادیده گرفتن جایگاه آرمانی عدالت و فقدان همسویی توسعه مادی با عدالت. با این بیان، الگوی نظری عدالت در اندیشه حضرت



آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) شامل بعد تعریف، مبانی، ویژگی‌ها، راهبردها و راهکارهای اجرایی و آسیب‌ها و موانع تحقق عدالت است.

منابع فارسی

- قرآن کریم.

- آمدی، آنتیوس، آندره نه و یوهان والننن (۱۳۶۶)، زندگی‌نامه علمی دانشوران (جزوه یکم)، ترجمه احمد آرام، چ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله) به نشانی: <http://farsi.khamenei.ir>.

- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.

- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی مسکویه، قم: بوستان کتاب.

منابع انگلیسی

- Rawls, J. (1971), Theory of Justice, Oxford: Oxford University Press.
- Mayring, Philipp (2000), "Qualitative Content Analysis Forum", Qualitative Social Research, Vol. 1, No. 2, June, Online Journal : <http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/1089/2385>

